



بیانات مهم ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز اسناد ملی ایران

پدیدآورده (ها) : خاتمی، سید محمد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1379 - شماره 37 و 38
از 4 تا 7

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92267>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 14/08/1395

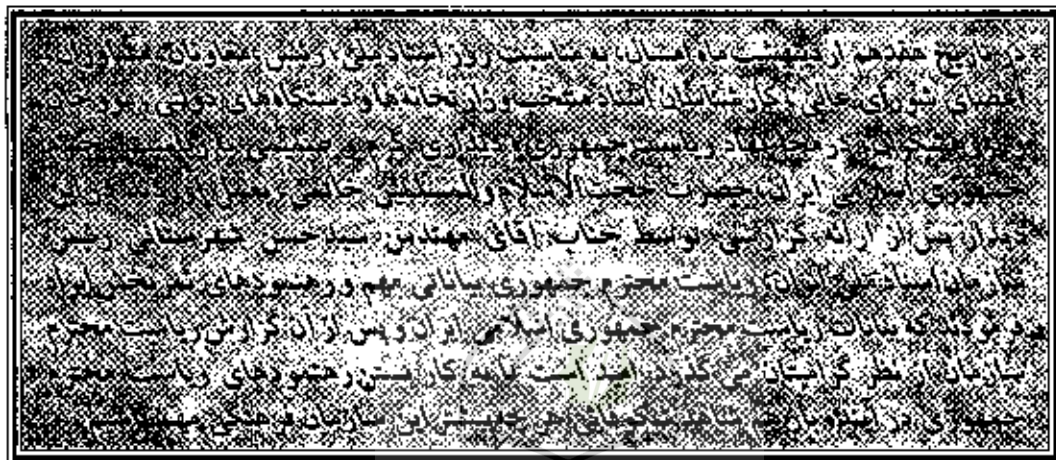
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بیانات مهم ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز اسناد ملی ایران

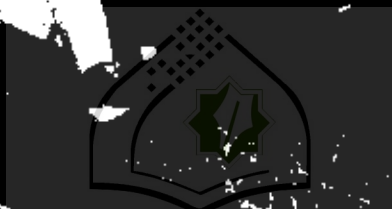


و به همین دلیل هم به خاطر همین ظرفیتی که داشته است موقعیهای تازه‌ای هم که پیدا کرده، این سدیست بر وصال تازه‌ای پیدا کرده است، ایران قبل از اسلام دارای تمدن درخشانی بوده است و ظرفیت ملت ایران سبب شده است که پدر آموزش و آموزه‌های اسلامی در متن جان این ملت شکر فاش شود، و اگر نگوییم نقش اول، دست کم نقش ممتاز را در تأسیس و بسط تمدن اسلامی داشته است، با مثلاً در غرب، عمدتاً در یونان، می‌بینیم که تمدنهای بزرگ پایه‌گذاری شده و در طول تاریخ ندامت یافته (است). حتی تمدن جدید که ریشه‌هایش در یونان قدیم است، گرچه رادها کریشان، فیثوسوف بزرگ هندی، می‌گوید که: گرچه آغاز تفکر فلسفی را قریب‌های پنجم و ششم تا ششم و هفتم قبل از میلاد در یونان می‌دانند، ولی استیلای غرب سبب شده است که از آنچه در شرق بوده است غفلت بشود. آنوقت او به آراء و اندیشه‌های عرفانی و فلسفی تبه قاره می‌پردازد و می‌گوید: با ملاحظه تفکر فلسفی در یونان مصادف بوده است با نیم‌روز تفکر فلسفی در هند. هند هم از جمله نقطه‌هایی است که پایه‌گذار بسیاری از تمدنهای بوده، همچنین چین و مصر و جاهای دیگر، شاید در همه تاریخ بشریت شش هفت نقطه و هفت هشت ملت را

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منبع مهم هویت تاریخی ما، اسناد ما هستند.

بسم الله الرحمن الرحيم
خیلی مشرف فرمودید و ما را خوشحال کردید که این زمینه را فراهم آوردید تا از نزدیک عرض سلامی بکنیم. دست مرزاد می‌گویم و نسکرمی کنم از جنابان آقایان مهندس باقریان و مهندس شهرستانی که این موقعیت را فراهم آوردند.
بدون تردید آینده را کسانی دارند که گذشته درخشانی داشته باشند. البته داشتن گذشته درخشان شرط کافی داشتن آینده درخشان نیست، ولی شرط لازم آن است. چه بسا ملت‌ها و اقوامی که روزی و روزگاری، در عرصه جابجاستان، دارای درخشندگی، مازندگی و پویایی بودند و به عنوان مختلف که مجال ذکر آن نیست یا از صحنه تاریخ حذف شدند یا به صورت ملت‌های دست سوم و چهارم باقی ماندند و جای خود را به دیگران دادند که صاحب تمدن شدند، اما بدون تردید ریشه آینده انسان در گذشته است و به هر حال در طول تاریخ ملت‌ها و اقوامی که آفریننده تمدن بودند زیاد نیستند و تمدن‌های بعدی هم ناشی از آن تمدن‌ها بودند و به خصوص ما در خاورمیانه و در آسیا کانون‌های جوشان مدنی را می‌بینیم. ایران نیز، بدون تردید، یکی از این کانون‌های تمدن خیز است



در اندیشه‌ها و روشها و منشهای خودمان داشته باشیم. به هر حال، توجه به گذشته و اهتمام به گذشته امر بسیار مهمی است. در صورتی که شعوف گذشته و غرق در گذشته، به صورتی که امروز فردمان را نبینیم، شویم، و دچار به اصطلاح احساس نوستالژیک که ما را از زمانمان جدا می‌کند، نگردیم. خود این ملت در طول همین صد سال گذشته تحولاتی داشته است که، به نظر من، دست کم در کشورهای نظیر ما، یعنی آنهایی که تجربه‌هایی مشابه ما دارند، بی‌ظن بوده است. ما انقلاب بزرگ مشروطیت را داشتیم، و این ملت با تکیه بر شوقی خودش، و با استفاده از دست آوردهایی که تمدن بشری داشته است، تجربه نوینی را آغاز کرد. گرچه موفق نبود، یعنی مشکلات بیرونی و درونی سبب شد که این تجربه به نتیجه کامل نرسد.

اهتمام به امر اسناد یک وظیفه تاریخی، دینی، ملی، اجتماعی و علمی است.

هر چند که در تحول روحی و فکری این ملت نقش ممتازی داشت؛ یا در مبارزات ضد استعماری که داشتیم، رنگ و بوی ایرانی‌گری، و عظمت ایرانی در آن است. ما نهضت ملی شدن صنعت نفت را داشتیم که فقط مسئله این نبرد که یک صنعت ملی شد، بلکه راه و رسمش برای خود بودن و خودی بودن، و بوی بای خود ایستادن، و در مقابل

بشتر بیدار کنیم که [حتی نقش داشته اند]. اگر چه همه ملت‌های تجوی یک زندگی مدنی را تجربه کرده‌اند، و نوعی تمدن هم داشته‌اند و نکته‌ها و طرفه‌ها در تمدن‌های قدیمی و باستانی هم وجود دارد، اما تمدنهایی که بشری شدند و بشریت را تحت تأثیر قرار دادند اندک هستند. و مسلماً ملت ایران یکی از این منتهای بزرگ است. اما داشتن گذشته در خشان یا ضروری به معنی داشتن آینده در خشان نیست. بسته به این است که آن ملت، یا تکیه بر گذشته

استوار خود، بتواند دائماً نو سازی کند، دائماً در روشها و شیوه‌ها و اندیشه‌هایش اصلاح داشته باشد و نوآوری یکنواخت نگاه می‌نماید. ندادم پیدا نکند و حتی آینده‌ای بهتر از گذشته هم داشته باشد. این گذشته مسئله مهمی است و اهتمام به گذشته حتماً شرط داشتن آینده در خشان هم هست. ما هم امروز

اگر بخواهیم به آینده‌ای بهتر از امروزمان برسیم، و حتی حرفهای تازه‌ای برای همه بشریت داشته باشیم، که می‌توانیم، و با اعتماد به این توانایی و اعتقاد به این اصل است که مسئله گفتگوی تمدنها، طرح می‌شود، باید گذشته خود را بشناسیم، درست بشناسیم و بر اساس آن، زمان خودمان را هم بشناسیم. و آمادگی تحول و نو سازی هم دائماً

زورگویان مقاومت کردند، به هر حال براساس استقلال خودی راه را طی کردند، این محتوای کار بوده که خوب نتیجه کار هم طبعاً در اختیار قرار گرفتند منابع مادی بود آن هم متناسفانه باریه علل مختلفی که من گاهی به آنها اشاره کرده‌ام، و الآن جای بحث آن نیست به نحوی از نظر ظاهری، ناکام ماند، و با کودتای ۲۸ مرداد آن صورت مبارزات، خاتمه پیدا کرد. گرچه محتوا و متن آن در دل مردم ماند و مهمترین و برجسته‌ترین حرکتی که ما داشتیم انقلاب اسلامی است که انقلاب فراگیر منت ایران و درس‌گیری از تجربه‌های گذشته و به خاطر سخنی که ما روحیه این مردم داشت، و اعتمادی که مردم به رهبری انقلاب و به حرکت انقلاب داشتند، این انقلاب آغاز مرحله جدیدی در زندگی ما شد که امروز داریم آن را تجربه می‌کنیم.

تجربه ما ایرانیان مسلمان متفاوت است و می‌تواند الگو باشد، برای همه مسلمانها و همه بشریت، یعنی این حرکت بر سه پایه حق، عدالت و آزادی استوار شده است. حقی که منشا آن خداست که او حق مطلق است، قدرت مطلق است، حکمت مطلق است، عدل مطلق است، و عدل که به خصص من ساختن متمایز نشن شیعی در میان پیشهای اسلامی است، که ما را، عدلیه هم گفته‌اند و به هر حال گرایش مردم ایران به اهل بیت، به خاطر آن که آنها را هم مرکز حق می‌دانستند و هم مرکز عدل مبتنی بر حق و حق فلسفی منظور است،

که البته حقوقی هم از دل آن بیرون می‌آید، و عدل و آزادی، و این که مردم را باور کردن که خودش مقتضای عدل هم هست. اگر ما معتقدیم که عقل میان انسانها یکسان تقسیم شده است، حق بهره‌وری از عقل برای همه انسانها هست، این که آزاد بیدینند، آزاد فکر کنند، آزاد راه خودشان را انتخاب بکنند، البته عقنما باید در یک محیط سالم پرورش پیدا کنند، آنچه هست استعداد عقلانی است که باید رشد پیدا بکنند ما در حال تجربه این

امر هستیم، من بارها گفته‌ام که به آن تکیه می‌کنم و تکیه خواهیم کرد، چون معتقدیم که این راه راه درسی است و براساس آن ما می‌توانیم موفق باشیم، یعنی تجربه مردم سالاری توأم با دین‌داری. در دنیای امروز یا دنیای گذشته، با تجربه‌ای که هست این جور تلقی شده است که انسانها یا باید آزاد باشند یا دین‌دار. هر دو تلقی هم مشکلاتی داشته است، یعنی به بهانه دفاع از دین، حقوق و آزادی‌های انسان را سرکوب کرده‌اند پایه بهانه دفاع از آزادی، دین و معنویت را از صحنه زندگی بیرون کرده‌اند. این تجربه‌ای است که آغاز شده است، انقلاب اسلامی ما بر مبنای آن است و قانون اساسی ما بر آن مبنای شکل گرفته است، و بنده هم به عنوان کسی که همیشه یک طلبه دانشجو بوده است و ما توجه به اندک مطالعاتی که دارم و اعتقادی که دارم، معتقدم که باید تلاش کرد که این تجربه موفق بشود و فکر هم می‌کنم در نظر اندیشمندان و انسانهای صاحب تأمل نگاه به ایران نگاه به این است که این تجربه جدید را در تاریخ بشری شروع کرده است و کامروایی و ناکامی ما در این تجربه تأثیر بسیار بسیار مهمی در سرنوشت هم خود

ما و هم بشریت داشته است. به هر حال ما گذشته درخشانی داریم و براساس آن باید آینده‌مان را بسازیم و پیش برویم و به همین جهت هم توجه به تاریخ و گذشته تاریخی و آنچه که جراحی می‌افکند، برگزیده مامهم است. ما تاریخهای مکتوب داریم که معمولاً تاریخ مکتوب براساس یک سلسله پیش فرضها و پیش داوری‌ها نوشته می‌شود، چه در گذشته، چه در امروز. در گذشته که خوب به هر حال تاریخ عمدتاً تاریخ، به اصطلاح فضائل غیر موجود حاکمان زورگو، نوشته می‌شده و وقتی آن سلسله هم می‌رفته، بر تمام آن تاریخ خط بطلان کشیده می‌شده و از نو تاریخ می‌نوشته‌اند. اگر چه ما تاریخ نگاران بزرگی هم داریم که سعی کرده‌اند در ورای آن الزامهای خارجی و محدودرات خارجی تاریخ نگاری بکنند که از جمله ایشان بنده می‌توانم به این خلدون اشاره کنم، و نیز به تجارب الامم مشکویه و بامسکویه رازی، و کسان دیگری که نوشته‌اند، ولی خوب به هر حال تاریخ‌های مکتوب در بهترین وجهش این است که براساس پیش و فرضیه و پیش داوری یا دست کم، فرضیه اختیاری انتخاب شده مورخ، تاریخ نوشته می‌شود و در جای خودش هم مفید است، آنچه که باید محفوظ بماند آن واقعیاتی است که گذشته است و براساس آن واقعیتهای البته با دیدگاههای مختلف، افقهای دید مختلف، ممکن است برداشتهای مختلفی داشت، یا هر کسی گوشه‌ای از آن واقعیت را تفسیر بکند و بفهمد، ولی در مجموع اگر آن مایه‌ها، یعنی گذشته درست به آینده متصل بشود، و ما بدانیم که در گذشته چه بوده است، می‌توانیم به تناسب زمان و مکانی که داریم، به اصطلاح، برداشتهای مناسبی داشته باشیم، و اینجاست که نقش اسناد بسیار مهم است. اسناد همان مواد خامی هستند که براساس آن تاریخ باید نگاشته بشود، البته اسناد فقط اسناد مکتوب نیستند. همه آثار و مآثری که به گذشته مربوطند، مایه‌های اولیه

شناخت گذشته و تاریخ گذشته‌اند، و نیز این اسناد اسباب و ابزار اتصال گذشته به آینده و آشنایی نسلهای امروزی با نسلهای گذشته و تدابیر هویت تاریخی یک ملت‌اند. به همین دلیل هم، پایه‌عبارتی دیگر، منبع مهم هویت تاریخی ما، اسناد ما هستند که بسیار بسیار مهم‌اند و مهمترین آن مایه هستند و به همین دلیل هم اهتمام به امر اسناد یک وظیفه تاریخی، دینی، ملی و اجتماعی و علمی است، نباید این را خیلی سرسری گرفت که مثلاً اسناد به گذشته مربوط است. مابک ساختمانی که بیست سال پیش ساخته‌ایم و ده سال پیش بناست خراب کنیم اینقدر اهتمام کنیم که آن را حفاظت و نگهداری بکنیم، ولی [بگوئیم] اسناد مربوط به گذشته است و خیلی اهمیت ندارد، نه، پایه هویت ما در آنجاست و شناخت گذشته‌مان، به همین دلیل هم مسئله اسناد مسئله بسیار بسیار مهمی است در کشور ما، و اگر بگوئیم جایی مثل سازمان اسناد ملی از جاهانی است که مهمترین وظایف تاریخی و ملی ما را به عهده دارد، سخن گزافی نگفته‌ایم. در جای خود هر سازمان و هر دستگاهی مهم است ولی سازمان اسناد ملی و نیز

اگر بگوئیم جایی مثل سازمان اسناد ملی از جاهانی است که مهمترین وظایف تاریخی و ملی ما را به عهده دارد، سخن گزافی نگفته‌ایم.

سازمانهای اسنادی کشور به طرز کلی مهم اند که البته باز هم باید هماهنگ با سازمان اسناد ملی ما به عنوان محور و مدار نگهداری و حفظ و انتفاع مطالب اسنادی ما به جامعه باشند و این هماهنگی هم بسیار مهمی است. یعنی هر کسی احساس نکند که در درون اداره خودش، درون خانه خودش، درون تشکیلات خودش، بالاخره اسنادی دارد که باید داشته باشد، هر کسی باید اهتمام کند تا این باید هماهنگ باشد با آن محور و مرکزی که در نظام با سازمان اسناد ملی طبق قانون و وظایفی که دارد، این نقش محوری را دارد و عمل می کند. بنابراین به دست آوردن اسناد، مرمت و نگهداری اسناد، حفاظت از اسناد و اطلاع رسانی بر اساس این اسناد از وظایف مهم دولت جمهوری اسلامی و ملت ما و نیز سازمان اسناد ملی است، و از لحاظ قانون هم این نقش بر عهده این سازمان است و طبق قانون همه دستگاهها موظف اند تا قبل از چهل سال به طور موقت اسنادی که دست کم مورد استفاده روزمره شان نیست و اسناد راکد است در اختیار سازمان قرار بگیرد و بعد از چهل سال هم یکسره باید در اختیار سازمان قرار بگیرد.

تلاش مهم سازمان هم این است که اسناد را شناسایی کند، آنهایی که باید حفظ بشوند، حفظ بشوند، آنهایی که باید امحاء بشوند امحاء بشوند. به هر حال در یک جا و به صورت منظم نگهداری بشوند و به همین دلیل هم همکاری وزارتخانه ها، دستگاهها و سازمانها و دیگر تشکیلات با سازمان اسناد ملی یک امر لازم و وظیفه قانونی و ملی است که باید این همکاری صورت بگیرد و همان طور که جناب آقای شهرسانی هم گفتند: سازمان هم نباید فقط اکتفا بکند به اسناد دولتی، ما تپوهی از اسناد داریم که در اختیار دولت نیست و بابه هر حال در دست افراد، شخصیت های

حقیقی یا حقوقی غیر دولتی قرار گرفته است، آنها هم اگر به خاطر عشق به اسناد آنها را نگه داشتند، اگر می خواهند در طی نسلها، واقعا محفوظ بمانند، باید بدانند که اگر در اختیار سازمان اسناد قرار بگیرد، ذخیره امن خواهد بود و سازمان هم باید تلاش بکند که، علاوه بر اسناد دولتی، در جمع آوری و دست کم سامان دهی اسنادی که در اختیار دولت نیست تلاش بکنند، ما در کتابخانه ملی یک حرکتی داشتیم به نام فهرستگان، یعنی فهرست، فهرستها، یعنی مشخص بکند کتابخانه ملی که نمی تواند همه کتابهایی که توی ایران هست، داشته باشد یا در اختیار او قرار بگیرد، ولی کتابخانه ملی باید بداند که فلان کتاب در کجا و با چه مشخصاتی هست، یعنی فهرستگان اسنادی، حالا تفسیر اگر درست باشد از نظر فنی نمی دانم، یعنی سازمان علاوه بر اینکه باید جمع آوری بکند، حتی افرادی هستند که علاقه مندند و اتفاقا خیلی هم خوب است که ما تشویقشان بکنیم که خودشان این اسناد را درست و حسابی نگهدارند و هم کمکشان بکنیم که اسناد درست نگهداری بشود و هم ما فهرستی یعنی شناسنامه ای از اسناد موجود داشته باشیم و این در مرکز اسناد ما وجود داشته باشد و بعد هم ذخیره

مهمی برای دانش و پژوهش این اسناد ما هست. یعنی یکی از کمبودهای مهم پژوهشی ما همین اسناد و مراکز اسناد ما هستند، که یک کار در طرفه باید صورت بگیرد، یکی اینکه پژوهشگران، دانشمندان، استادان و دانشجویان بدانند که این ذخیره، ذخیره ارزشمندی است و اهتمام بکنند به استفاده از آن و رغبت خود را برای بهره گیری از اسناد زیادتر بکنند از این طرف هم سازمان اسناد ملی ما باید استعداد و توانایی خدمت رساندن به اهل علم و اهل پژوهش و تحقیق را داشته باشد، چه در ساماندهی اسناد رچه در اطلاع رسانی است، که الحمدلله تلاش برای رایزنه ای شدن و سرعت و سهولت اطلاع رسانی شروع شده است و گامهای خوبی هم برداشته شده ولی باید به هر حال اینقدر جنو برویم تا یک پژوهسگر با کمترین هزینه و وقت بتواند به اسناد دسترسی پیدا بکند و زمینه پژوهش را بالا ببرد. کار دیگری هم که سازمان اسناد باید بکند و می کند و هر هم دیدم انتشار مرتب اسناد و کتابهای مختلفی است که بر اساس این اسناد تهیه می شود که تا به حال آثار خوبی هم عرضه داشته اند و ارشاد... این کار مداوم پیدا بکند.

مسئله سوم فعال بودن در عرصه های بین المللی است، چون مسئله اسناد در سطح جهانی هم مسئله مهمی است ما هم یکی از کشورهای صاحب سابقه و دارای اختیار به لحاظ گذشته مان و استادان هستیم، و طبیعتا در سازمانهای اسنادی جهانی و بین المللی فعال باشویم، کنیم که البته ما از اعضای اصلی شورای جهانی آرشیو و عضو هیئت اجرایی این شورا هستیم، همچنین ریاست شورای کشورهای منطقه جنوب و غرب آسیا را داریم و در این زمینه هم باید فعال باشیم و بنوانیم جایگاه خودمان را در عرصه بین المللی هم حفظ و تقویت کنیم.

من برای همه شما عزیزان که در واقع پاسدار این سرمایه های ارزشمندی ملی و تاریخی ما هستید، آرزوی موفقیت می کنم و امیدوارم که روزی روز شاهد شکوفایی و پیشرفت و اعتلای این سازمان باشیم به خصوص با توجه به شایستگی ها و نیز آگاهی ها و تجربه هایی که آقای شهرسانی دارند ما برای این سازمان آینده امیدبخش تری را واقعا در نظر داریم و می دانیم که تنگناها و مشکلات هم هست حالا آن ناه... بعد از استقرار در این ساختمان که ساختمان خوبی هم هست و یک کمی هم زودتر از ساختمان کتابخانه ملی شروع شد و امیدوارم که هر دو افتتاح بشوند ولی حق این است که ایجا رود و از آنجا افتتاح شود و اگر تا پایان امسال افتتاح نشود، خیلی خوب است و یک فضای مناسب تری برای شما که رحمت می کنید و نیز کسانی که می خواهند از این سازمان استفاده کنند فراهم می آید. همه شما را به خدای بزرگ می سپارم و برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی و سلامت می کنم.

خدا یار و نگهدار شما باد.

همکاری وزارتخانه ها، دستگاهها و سازمانها و دیگر تشکیلات با سازمان اسناد ملی یک امر لازم و وظیفه قانونی و ملی است.